

مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال ناقض حقوق بین الملل بشردوستانه شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی

حسین شریفی طرازکوهی^۱

مارال آذری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۵/۲۶

فصلنامه آفاق امنیت/ سال چهارم / شماره دوازدهم - پاییز ۱۳۹۰

چکیده

گسترش استخدام و حضور شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی به عنوان عوامل خصوصی نوظهور در مخاصمات مسلحانه و جرایم ارتكابی این شرکت‌ها موجب افزایش نگرانی درباره چالش‌های ناشی از این استخدام شده است. آنچه در این میان ضرورت می‌یابد، احراز مسئولیت دولت‌های مرتبط با شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی متخلف بر اساس پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها و سایر قواعد حقوق بین‌الملل و تبیین و شفاف‌سازی تعهدات بین‌المللی این دولت‌ها، به ویژه مراعات و تضمین حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمان اجرای عملیات و هنگام ارائه سایر اشکال خدمات توسط این شرکت‌ها به منظور محدود کردن هرچه بیشتر تخلفات و نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

واژگان کلیدی

شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، حقوق بین‌الملل بشردوستانه

۱. دکتری روابط بین الملل دانشیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۲. کارشناس ارشد روابط بین الملل

مقدمه

مباحث مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها از مباحث کهن حقوق بین‌الملل است که برای حمایت بیشتر از حقوق بیگانگان توسعه یافته است. اما امروز این مباحث به عنوان اصول کلی حقوق بین‌الملل عام مطرح‌اند و دامنه آنها نیز بسیار فراتر از حمایت از حقوق بیگانگان گسترش یافته است، به نحوی که از دکترین مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای ترویج قواعد عام حقوق بشر استفاده می‌شود (عسکری، ۱۳۸۸: ۱۵۰). در حقیقت، کارکرد و رسالت قواعد مسئولیت بین‌المللی، تعیین نتایج حقوقی نقض سایر قواعد حقوق بین‌الملل بوده و بدیهی است رسالت بنیادین این مسئولیت، تضمین عملکرد مناسب نظام حقوقی بین‌المللی است و زمانی به نحو مؤثر و کارآمد محقق می‌شود که قواعد حاکم بر مسئولیت در آن نظام در مورد تمام تابعان اعمال گردد (زمانی، ۱۳۸۳: ۲۲). در همین راستا اشخاص حقوقی و حقیقی تعهداتی دارند که باید در عرصه فعالیت‌های خود قواعد حقوق بین‌الملل را رعایت و از تجاوز به آن پرهیز کنند، چون در صورت نقض آن، مرتکب تخلف بین‌المللی می‌شوند. از این رو، برای یک عمل نقض و جرم بین‌المللی، با توجه به ماهیت آن و تعهدات نقض‌شده، ممکن است عوامل متعددی مسئول قلمداد شوند. در ارتباط با جرایم ارتكابی توسط شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، این عوامل ممکن است شرکت به عنوان شخص حقوقی، دولت‌هایی که عمل به آنها قابل انتساب است یا کارکنان آنها باشند. ضرورت حفظ نظم در جامعه بین‌المللی ایجاب می‌کند دولت‌ها مسئول فعل‌ها و ترک فعل‌های خود باشند و هیچ دولتی نمی‌تواند بدون قبول و رعایت حقوق، از حقوق خود بهره‌مند شود. این امر ضمن وارد کردن مفهوم مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، مسئله چگونگی مسئولیت آنها را در قبال فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی مطرح می‌کند.

در این راستا، بررسی و توجه به پیش‌نویس طرح مواد مسئولیت دولت‌ها به عنوان مبنای اصلی این شکل از مسئولیت بین‌المللی ضرورت می‌یابد. مطابق بند ۲ این پیش‌نویس، مبنای اساسی این طرح آن است که «عمل مغایر تعهدات بین‌المللی و تخلف بین‌المللی که به صورت «نقض یک تعهد بین‌المللی دولت» یا «نقض جدی تعهد ناشی از هنجارهای بین‌المللی است»، در صورت انتساب به دولت، موجب مسئولیت آن دولت می‌شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۱ بخش نخست این طرح یادآور می‌شود: «هر عمل از نظر بین‌المللی نادرست یک دولت متضمن مسئولیت آن دولت است.» با بیان این قاعده عام، لازم است



پیش شرط‌های احراز وقوع «یک عمل از نظر بین‌المللی نادرست» مشخص شود. برای این منظور به طور معمول دو رکن متمایز از یکدیگر مورد توجه قرار می‌گیرند:

۱. رکن فاعلی: رفتاری که قابل انتساب به دولت به عنوان شخص حقوق بین‌الملل است. ۲. رکن موضوعی: دولتی که عمل به آن نسبت داده می‌شود، باید با آن عمل تعهدی بین‌المللی را نقض کرده باشد (مستقیمی، ۱۳۷۷: ۳۴). به عبارت دیگر، مطابق حقوق بین‌الملل عمومی، دولت برای نقض تعهدی مسئولیت پیدا می‌کند که بتوان رفتار افراد انجام‌دهنده آن نقض را رفتار دولت تعبیر کرد و بنابراین، قابل انتساب به دولت باشد. لذا قواعد انتساب عمل به دولت و مسئولیت ناشی از آن نشان‌دهنده قابلیت بالقوه مسئولیت دولت‌ها برای اعمال عوامل غیردولتی از جمله شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی است (Drumbl, 2003: 4).

سؤال مهمی که پاسخ صریحی به آن در ادبیات حقوقی موجود داده نشده این است که آیا اقدامات شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی قابل انتساب به دولت‌هاست یا خیر؟ به این موضوع در ادبیات حقوقی موجود به طور ضمنی پرداخته شده است. برای مثال، Zarate مدعی است که شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی «واحدهایی سیاسی» و به گونه‌ای «نماینده دولت» هستند و از این رو، اعمال آنها قابل انتساب به دولت است (Zarate, 1998: 97). به عقیده مک‌کلین: «تعدادی از واحدهای نظامی و امنیتی خصوصی در واقع امتداد ارتش ایالات متحده هستند و در نتیجه این دولت مسئول اعمال آنها تلقی می‌شود» (McCallion, 2003: 328). نکته قابل توجه در واکنش به این قبیل ادعاها آن است که بسیاری از شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی ممکن است غیرامریکایی و فاقد شرایط مد نظر برای تلقی شدن به عنوان نماینده دولت باشند. بنابراین به نظر می‌رسد در صورتی که نوع ارتباط شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی با دولت‌ها تعیین شود، بسیاری از چالش‌های مرتبط با مسئولیت دولت‌ها برطرف خواهد شد. از این رو، ابتدا چگونگی قابلیت انتساب اعمال شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی به دولت استخدام‌کننده آنها بررسی و به نمونه‌هایی از این اعمال و تعهدات این دولت‌ها اشاره (مبحث اول) و سپس به تعهدات و مسئولیت دولت‌های موطن و سرزمینی پرداخته می‌شود (مبحث دوم).



مبحث اول: دولت استخدام کننده

دولت‌های متعددی در شرایط مختلف با استخدام و به کارگیری شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی از خدمات آنها منتفع می‌شوند. ابتدایی‌ترین نگرانی در بهره‌جویی از این خدمات، احتمال نقض تعهدات بین‌المللی در نتیجه استخدام این شرکت‌هاست که در صورت انتساب اعمال ناقض قواعد حقوق بین‌الملل به دولت استخدام کننده، مسئولیت آن دولت محرز است. بررسی قواعد حقوق بین‌الملل موجود در ارتباط با عوامل خصوصی به ویژه هنگام مخاصمات مسلحانه حاکی است که این قواعد تعهدات اولیه خاصی در ارتباط با مزدوری مطرح می‌کند و نشان می‌دهد دولت‌ها ملزم به خودداری از استخدام مزدوران یا صدور مجوز فعالیت‌های مزدوری هستند. در این زمینه قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون سازمان اتحادیه آفریقا در حذف مزدوری در آفریقا و کنوانسیون بین‌المللی منع استخدام، استفاده، تأمین مالی و آموزش مزدوران سازمان ملل متحد به تفصیل به بحث درباره ممنوعیت استفاده از مزدوران اختصاص یافته است. نکته مهم در ارتباط با شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی آن است که آیا می‌توان فعالیت این شرکت‌ها را فعالیت‌های مزدوری تلقی کرد؟ با توجه به تعاریف محدود از فعالیت‌های مزدوری و تنوع زیاد خدمات ارائه شده توسط این شرکت‌ها، به نظر می‌رسد نمی‌توان پاسخ جامع و فراگیری به پرسش فوق داد و باید در هر مورد فعالیت‌های شرکت مد نظر را با تعاریف موجود مقایسه کرد (آذری، ۱۳۸۹: ۸۴-۱۱۰). علاوه بر آن، با نگاهی کلی به رویه دولت‌ها می‌توان دریافت استفاده از شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی توسط حقوق بین‌الملل عرفی ممنوع نشده است. بنابراین، به رغم وجود حقوق بین‌الملل عرفی در منع استفاده از مزدوران، رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که این موضوع در مورد شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی صدق نمی‌کند. عامل دیگر محدودکننده دولت‌ها در استخدام شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی تأثیر و تعهد دولت‌های عضو کنوانسیون‌های منع مزدوری سازمان ملل متحد و اتحادیه آفریقا است. اما نکته قابل توجه آن است که کنوانسیون‌های یادشده به طور گسترده به تصویب نرسیده‌اند و از سوی دیگر، تمام فعالیت این شرکت‌ها مشمول تعریف فعالیت‌های مزدوری نمی‌شود. از این رو، دولت‌ها متعهد به خودداری از استخدام شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی یا محدود کردن فعالیت‌های آنها نیستند و هیچ تعهد و قاعده اولیه‌ای برای مسئولیت دولت‌ها



وجود ندارد که با استخدام این شرکت‌ها نقض شود (Singer, 2004: 531).

بند اول: انتساب اعمال شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی به دولت استخدام‌کننده

همان‌گونه که اشاره شد، یکی از ارکان مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها انتساب اعمال متخلفانه به آنهاست. براساس قواعد عرفی، دولت‌ها برای آن دسته از اعمال ناقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در استخدام‌شان که قابل انتساب به آنها باشد، مسئول خواهند بود. علاوه بر قواعد عرفی، پیش‌نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اعمال غیرقانونی نیز معیارهایی برای انتساب عمل به دولت ارائه می‌دهند. یکی از معیارهای انتساب ماده ۴ این طرح است. بر اساس این ماده، نهاد دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت، حتی اگر توسط دولت تحت کنترل کامل باشد، نهاد دولتی محسوب نمی‌شود (Ago, para 129). بنابراین، در حالت عادی اعمال شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی به عنوان یک شرکت و شخص حقوقی مستقل، مطابق ماده ۴ به دولت قابل انتساب نخواهد بود. اما سابقه استفاده از شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی حاکی است که کارکنان این شرکت‌ها ممکن است در نیروهای مسلح دولتی به ویژه دولت استخدام‌کننده، ادغام و از وضعیت رزمنده برخوردار شوند (آذری، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۱۱). برای نمونه، در سال ۱۹۹۷ گروهی از اعضای شرکت نظامی خصوصی سندلاین به عضویت ارتش ویژه دولت گینه‌نو درآمدند و به طور مستقیم نیروی نظامی دولتی خوانده شدند. و مطابق قراردادی میان این شرکت و دولت گینه‌نو، کارکنان شرکت سندلاین در جریان آن عملیات به عنوان «افسران ویژه» به گونه‌ای که دارای حقوق و وظایف مشابه اعضای نیروهای مسلح باشند، تعیین شدند. در این وضعیت خاص، نمی‌توان این شرکت را به عنوان یک شخص حقوقی مستقل دانست، بلکه باید توجه کرد قابلیت انتساب اعمال با موقعیت رسمی بالاتر یا پایین‌تر یک مقام تغییر نمی‌کند و مسئولیت دولت از ماهیت موقت وضعیت کارکنان شرکت‌های نظامی خصوصی به عنوان عضو نیروهای مسلح متأثر نمی‌شود. در این صورت ممکن است مطابق حقوق داخلی یک دولت، کارکنان شرکت‌های نظامی خصوصی تنها بخشی از نیروهای مسلح دولت باشند، در حالی که مطابق حقوق بین‌الملل، به عنوان رکن دولت مورد توجه قرار گیرند. اگر کارکنان شرکت مد نظر عضو نیروهای مسلح



دولتی باشند، اعمال شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی به عنوان اعمال «ارکان دولتی» تلقی و قابل انتساب به دولت استخدام‌کننده است. در نتیجه، ماده ۴ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها بر دولت استخدام‌کننده قابل اعمال است.^۱

احراز مسئولیت دولت استخدام‌کننده برای نقض حقوق بین‌الملل توسط کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی که عضو نیروهای مسلح دولتی نیستند (غیرنظامیان همراه نیروهای مسلح یا غیرنظامیان عادی) دشوارتر است. یکی از مبانی احتمالی در چنین شرایطی ماده ۵ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌هاست.^۲ در واقع، استعمال واژه کلی «نهاد» در این ماده طیفی وسیع از نهادهایی را دربرمی‌گیرد که نهاد دولتی نیستند، اما مجاز به اعمال برخی اقتدارات دولتی هستند. حال پرسش آن است که آیا اعمال شرکت‌های خصوصی امنیتی یا نظامی در تعریف این ماده قابل انتساب به دولت است یا خیر؟

تردیدهای اندکی وجود دارد که بسیاری از فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی مشمول تعریف «فعالیت‌های دولتی» است، زیرا یکی از موارد پذیرفته‌شده در خصوص این شرکت‌ها آن است که به ارائه خدماتی می‌پردازند که از لحاظ تاریخی همواره وظایف دولت تلقی شده‌اند. یکی از اشکال افراطی این خدمات در عملیات نظامی شرکت اگزکیوتیو اوت‌کامز^۳ در سیرالئون دیده شد. نمونه دیگر وظایف شرکت‌های سی‌آی‌سی‌آی بین‌المللی و تیتان^۴ در زندان ابوغریب است، در حالی که حفاظت و بازجویی از زندانیان، به طور ذاتی از وظایف دولت به شمار می‌آید (Kwok, 2006: 6). تأمین امنیت و محافظت از منابع، اشخاص، تجهیزات و زیرساخت‌ها در مناطق محاصره «به طور ذاتی از وظایف دولت» است، اگر «در شرایط تهدیدآمیز غیرقابل پیش‌بینی یا غیرقابل کنترلی باشد که موفقیت در آن به نحوه اجرای عملیات بستگی دارد». این موضوع شامل موقعیت‌هایی است که مستلزم فعالیت نیروهای نظامی یا فعالیت‌هایی است که به طور مستقیم از عملیات نظامی پشتیبانی می‌کند (US Department of Defense Instruction 2010, paras E2.1.4.1.5& E2.1.4.1.5.1).

۱. این ماده مقرر می‌دارد رفتار هر ارگان دولتی به موجب حقوق بین‌الملل، فعل آن دولت تلقی می‌شود فارغ از اینکه آن ارگان کارکرد تقنینی، قضایی، اجرایی یا کارکردی دیگر داشته باشد و اعم از اینکه ارگان مذکور در سازمان دولتی چه موقعیتی دارد و اعم از اینکه ارگان مذکور عضوی از دولت مرکزی باشد یا عضوی از بخش‌های دولتی محلی.

۲. عمل شخص یا نهادهی که مطابق ماده ۴، رکن دولت نیست، قابل انتساب به دولت است اگر آن شخص یا نهاد از سوی دولت مجاز به اعمال اقتدارات حاکمه دولتی شده باشد.

3. Executive Outcomes

4. CAC and Titan



از سوی دیگر، با توجه به امکان صدور مجوز فعالیت برای واحدهای نظامی و امنیتی خصوصی از طریق قرارداد، به منظور احراز این موضوع که شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در هر مورد با مجوز دولتی فعالیت می‌کنند یا خیر، باید شرایط دقیق روابط و قرارداد میان دولت و شرکت بررسی شود. در این صورت مشخص می‌شود که آیا دولت‌ها به شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی مجوز مشارکت در نقض و جرایم سازمان‌یافته را داده‌اند یا خیر (Kassebaum, 2000: 593). اما نکته مبهم در ملاحظه قرارداد به عنوان مجوز فعالیت برای احراز مسئولیت براساس ماده ۵ طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها این است که مشخص نیست چه میزان قانون داخلی برای برقراری شرایط ماده ۵ لازم است. برای مثال، آیا باید در حقوق داخلی از شرکت به طور خاص نام برده شود یا تعیین معیاری کلی و قابل اعمال بر تمام شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی که به آنها اجازه فعالیت‌های مد نظر را می‌دهد، کفایت می‌کند؟

چنانچه عمل مطابق ماده ۵ قابل انتساب به دولت باشد، دولت در قبال تمام اعمال واحد مد نظر حتی فعالیت‌های خارج از حوزه اختیاراتش مسئول خواهد بود. در چنین مواردی مطابق ماده ۷ پیش‌نویس مواد، رفتار ارگان‌ها و نهادهایی که اختیار دارند قدرت دولتی را اعمال کنند به دولت منتسب می‌شود، حتی اگر این رفتار خارج از صلاحیت آن سازمان یا شخص مد نظر یا برخلاف فرمان‌های صادره، انجام شده باشد.

مبنای دیگر مسئولیت دولت استخدام‌کننده برای فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، ماده ۸ طرح مسئولیت دولت‌هاست. این ماده^۱ فقط زمانی قابل اعمال است که شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی توسط قانون دولتی برای فعالیت‌هایی که از فعالیت‌های دولت است، مجاز شمرده نشده باشند. (به عبارتی، اگر مشمول ماده ۵ طرح مسئولیت دولت‌ها قرار نگرفته باشند).

تفسیر این ماده نشان می‌دهد که وجود «دستورالعمل» برای انجام مأموریتی خاص یا ارتکاب جرم، ضروری است. اگر این دستورالعمل‌ها به طور مستقیم به واحدهای نظامی و امنیتی خصوصی داده نشده باشند، این ماده قابل اعمال نیست. معیار دیگر انتساب مسئولیت مطابق ماده ۸، زمانی است که واحد مد نظر تحت هدایت یا کنترل دولت باشد. مطابق این ماده، هر عملی که بر اساس

۱. کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۸ طرح مسئولیت دولت‌ها را بیان کرد: رفتار یک فرد یا گروهی از افراد، طبق حقوق بین‌الملل، عمل دولت محسوب می‌شود، اگر این فرد یا گروه براساس دستور، هدایت یا کنترل دولت مذکور مرتکب رفتار متخلفانه شود.

دستورالعمل دولتی نباشد یا دولت کنترل مؤثر بر آن نداشته باشد، قابل انتساب به دولت نخواهد بود. بنابراین، به نظر می‌رسد در شرایطی که یک گروه، از جمله واحدهای نظامی خصوصی، مطابق دستورالعمل‌های دولتی عمل نکنند، برای شمول در ماده ۸ لازم است شرایطی واقعی که این واحدها تحت آن مشغول فعالیت بوده‌اند بررسی شود. ممکن است این شرایط تحت قراردادهای عمومی با شرکت‌های نظامی خصوصی مطرح شود، از جمله هنگامی که یک قرارداد شرایطی را تعیین نکند که تحت آن عمل مد نظر باید اجرا شود. بنابراین، منافع دولت‌ها اقتضا می‌کند که اطمینان حاصل کنند مفاد و شرایط قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی کاملاً صریح و شفاف است (Expert Meeting, 2005: 22).

نمونه‌ای از بررسی انتساب عمل به دولت استخدام‌کننده را می‌توان در رابطه میان شرکت نظامی خصوصی اگزکیوتیو اوت کامز و دولت سیرالئون جست‌وجو کرد.^۱ از دید مسئولیت دولت، به نظر می‌رسد در مدت اجرای عملیات مربوط، شرکت فوق به عنوان نماینده دوفاکتوی دولت سیرالئون عمل کرده و با توجه به اینکه شرکت دارای ساختار قانونی جداگانه‌ای از دولت است، نمی‌توان آن را رکن دولت سیرالئون در معنای ماده ۴ دانست، بلکه در این مورد این شرکت خصوصی ثبت شده و دارای شخصیت حقوقی است که مقر آن در آفریقای جنوبی است (Singer, 2003: 104). هم‌چنین هیچ قانون داخلی در سیرالئون کارکنان آن را بخشی از نیروهای مسلح دولتی، آن‌گونه که در مورد شرکت سندلاین در گینه‌نو بود، قرار نداده است و از این رو، کارکنان آن «رزمنده» محسوب نمی‌شوند و در نتیجه اعمال این شرکت بر مبنای ماده ۴ طرح مسئولیت دولت‌ها، قابل انتساب به دولت نیست. در عین حال، احتمال دارد که شرکت اگزکیوتیو اوت کامز به عنوان نهادی که توسط دولت سیرالئون مجاز به اعمال اقتدارات حاکمه دولتی بود، عمل کرده باشد. در این صورت، مسئولیت دولت سیرالئون بر اساس ماده ۵ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها می‌شود. بنابراین به منظور اعمال این ماده، نخستین سؤال مطرح این است که آیا شرکت اگزکیوتیو اوت کامز به اعمال

۱. در پی هرج و مرج مطلق در سیرالئون، نیروهای نظامی دولتی تحت فرماندهی شورای موقت حاکم در مبارزه با شورشیان (RUF) متحمل شکست شدند و به دلیل نزدیکی محل استقرار این نیروها به پایتخت، ساکنان حومه شهر به شدت از فعالیت‌های این گروه تأثیر پذیرفتند. پس از رد درخواست کمک دولت سیرالئون توسط ایالات متحده، انگلستان و حتی سازمان ملل متحد، دولت تحت محاصره سیرالئون به استفاده از شرکت نظامی خصوصی اگزکیوتیو اوت کامز روی آورد و در نتیجه، قرارداد اولیه برای یک سال و به منظور آموزش نیروهای مسلح منعقد شد؛ اما پس از مدتی فاش شد که نیروهای این شرکت به هدایت عملیات نظامی نیز مشغول بوده‌اند.



اقتدارات حاکمه دولتی پرداخته است یا خیر؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید عناصر ساختاری و عملکردی مورد ملاحظه قرار گیرند که شامل مالکیت یا کنترل دولت بر واحد مد نظر است. دولت سیرالئون مالکیت شرکت اگزکیوتیو اوت کامز را نداشته و این شرکت تنها یک شرکت تابعه واحدی بزرگ‌تر در آفریقای جنوبی بوده و به همین دلیل، سؤال‌های متعددی درباره استقلال آن مطرح است. به همین ترتیب، تردیدهایی در ارتباط با میزان کنترل واقعی دولت سیرالئون بر فعالیت‌های این شرکت وجود دارد. به عقیده ون مانان، قراردادهای میان این شرکت و دولت سیرالئون به گونه‌ای تنظیم شده بود که کارکنان آن تحت زنجیره عملیاتی فرماندهی قرار می‌گرفتند (Van Maanen, 1998: 256). دولت بریتانیا نیز مدعی که شرکت اگزکیوتیو اوت کامز عهده‌دار کنترل نیروهای مسلح دولتی بود و نه عکس.

نکته مهم دیگر آن است که آیا عمل واحد مد نظر (در اینجا شرکت اگزکیوتیو اوت کامز)، «به‌طور معمول» یا «به‌طور ذاتی» عمل دولت تلقی می‌شود یا خیر؟ دولت سیرالئون در زمان انعقاد قرارداد اصرار داشت که وظیفه این شرکت تنها «آموزش نیروهای مسلح» است و کارکنان این شرکت «در عملیات و مخاصمه مبارزه» نمی‌کنند. اما سخنگوی شرکت بعدها اعلام کرد «جمع‌آوری اطلاعات، تدارکات، ارتباطات، تهیه طرح‌های راهبردی و فرماندهی عملیات» برای ارتش سیرالئون همگی تحت عنوان آموزش برای افسران صورت گرفته است. کارکنان شرکت اگزکیوتیو اوت کامز در تمام این فعالیت‌ها لباس‌های فرمی را که دولت سیرالئون در اختیار آنها قرار داده بود، به تن داشتند و علاوه بر آن، واضح است که «آموزش» خود متضمن دخالت و حضور مستقیم است. به هر حال، قرارداد منعقد شده میان این شرکت و دولت سیرالئون بسیار گسترده و فعالیت‌های تعریف‌شده در آن ترکیبی از آموزش و بازسازی نیروهای مسلح دولتی و هم‌چنین انجام طرح‌های عملیاتی معین از جمله بیرون راندن نیروهای شورشی و برقراری ثبات بود. به این ترتیب واضح است که این قبیل فعالیت‌های نظامی که فعالیت دولتی تلقی می‌شوند، در فهرست فعالیت‌های قراردادی شرکت آمده‌اند و در واقع اجرای عملیات‌های نظامی تهاجمی در مرکز این فهرست قرار دارد. نکته بعدی آن است که شرکت اگزکیوتیو اوت کامز از سوی دولت سیرالئون مجاز به انجام این فعالیت‌ها بوده است. قرارداد میان دولت سیرالئون و شرکت اگزکیوتیو اوت کامز با توجه به مفاد و نحوه تنظیم باید به عنوان ابزار انتقال اختیار و مجوز به این شرکت در راستای تحقق عناصر ماده ۵ پیش‌نویس طرح مسئولیت



دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته شود. از این رو، به نظر می‌رسد می‌توان اعمال شرکت اگزکیوتیو اوت کامز در سیرالئون را به عنوان اعمالی که در ماهیت اعمال دولتی است تلقی کرد و در نتیجه، مسئولیت دولت سیرالئون در مدت این عملیات محرز می‌شود.

مطابق ماده ۸ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها، با اینکه عمومی نبودن مفاد قرارداد ممکن است به عنوان «دستورالعمل» بر اساس آنچه مورد نظر ماده ۸ است، تلقی شود، اما آنچه مسلم است تعیین میزان کنترل بر شرکت اگزکیوتیو اوت کامز بر اساس شواهد موجود، امری دشوار است و مشخص نیست که دولت یا ارتش سیرالئون بر فعالیت‌های خاصی از شرکت و کارکنان آن کنترل مؤثر داشته است یا خیر. از آنجا که ماده ۸ برای شرایطی پیش‌بینی شده است که در شمول ماده ۵ قرار نمی‌گیرند، اعمال آن بر شرایط موجود غیرضروری است. همان‌گونه که اشاره شد، احراز انتساب مطابق ماده ۵ قطعی است. در غیر این صورت، هر عمل شرکت اگزکیوتیو اوت کامز در خارج از حوزه قرارداد (مانند کشتار غیرنظامیان) به دولت سیرالئون منتسب نخواهد بود.

نمونه قابل ذکر دیگر از بررسی انتساب عمل شرکت نظامی و امنیتی خصوصی به دولت استخدام‌کننده، عملکرد شرکت منابع حرفه‌ای نظامی (MPRI) در استخدام دولت کرواسی است.^۲ همانند شرکت اگزکیوتیو اوت کامز، شرکت منابع حرفه‌ای نظامی نمی‌تواند به عنوان رکنی از دولت ایالات متحده (به عنوان دولت استخدام‌کننده) طبقه‌بندی شود. بنابراین، سؤال اصلی این است که آیا اعمال شرکت نظامی خصوصی MPRI مطابق طرح مسئولیت دولت‌ها به ایالات متحده قابل انتساب است یا خیر؟ برای این منظور باید ثابت شود که اعمال این شرکت در ذات خود «اعمال دولتی» بوده و شرکت منابع حرفه‌ای نظامی (MPRI) توسط ایالات متحده برای انجام این فعالیت‌ها مجاز شناخته شده (ماده ۵) یا به فرمان و تحت کنترل این دولت عمل می‌کرده است (ماده ۸). همانند شرکت اگزکیوتیو اوت کامز، در تعیین دولتی بودن فعالیت‌ها لازم است

1. Military Professional Resources Inc (MPRI)

۲. در سال ۱۹۹۱، ارتش نوپای کرواسی با نیروهای صرب در یوگسلاوی سابق دچار بحران شد و در اوایل ۱۹۹۵، ۳۰ درصد از سرزمین‌های کرواسی به اشغال نیروهای بیگانه درآمد. در سال ۱۹۹۴، پس از آنکه هیچ پیشرفتی در شرایط موجود ایجاد نشد، دولت کرواسی با درخواست کمک از دولت ایالات متحده، اعلام کرد که این دولت خواستار استفاده از مدل‌های نظامی ایالات متحده است. به دلیل تحریم‌های ۱۹۹۱ سازمان ملل متحد در ارتباط با ممنوعیت فروش سلاح یا خدمات نظامی به طرف‌های خصمه، ایالات متحده مسئله فوق را به شرکت منابع حرفه‌ای نظامی ارجاع داد و با توجه به اینکه این تحریم‌ها شامل اشخاص خصوصی نیز می‌شوند، این شرکت از ارائه هر گونه خدمات نظامی و طراحی و مشاوره مستقیم منع شده بود.



عناصر ساختاری و عملکردی مورد ملاحظه قرار گیرند. در سال ۲۰۰۰، شرکت منابع حرفه‌ای نظامی (MPRI) زیرمجموعه‌ای از یک شرکت امریکایی شد و بنابراین، دولت ایالات متحده هیچ مالکیتی بر این شرکت ندارد و سرمایه‌گذاران آن اغلب تابعیت غیرامریکایی دارند (Singer, 2003: 119-120). بر این اساس، هیچ‌کدام از معیارهای ساختاری کنترل در مورد ایالات متحده وجود ندارد. از سوی دیگر، شرکت منابع حرفه‌ای نظامی (MPRI) واحدی خصوصی است که با اهداف خصوصی تأسیس شده است نه برای اعمال دولتی؛ با وجود این به نظر می‌رسد ایالات متحده تا حدی بر این شرکت نظارت و کنترل داشته است و نیروهای این شرکت هم‌چنان مطابق سیاست‌های دولت ایالات متحده آموزش می‌بینند (Gaul, 1998). به منظور تلقی اعمال شرکت منابع حرفه‌ای نظامی (MPRI) در کرواسی به عنوان «اعمال دولتی»، باید ماهیت واقعی فعالیت‌های آن مورد بررسی قرار گیرد که شامل ارائه خدمات مشاوره‌ای راهبردی و تاکتیکی و در مورد سلاح به نیروهای دولت کرواسی است که بدون تردید فعالیت‌های دولت کرواسی تلقی می‌شوند. اما پرسش اصلی آن است که آیا برای احراز مسئولیت دولت ایالات متحده، می‌توان آنها را به عنوان فعالیت‌های ذاتی دولت ایالات متحده تلقی کرد؟ نکته قابل توجه این‌که هدف سیاسی ایالات متحده در آن زمان تقویت دولت کرواسی در منطقه بود که به دلیل تحریم‌های تسلیحاتی موجود قادر به اجرای آن نمی‌شد. اجرای قرارداد مذکور توسط اشخاص نظامی برجسته‌ای که اندکی قبل در بالکان مشغول فعالیت و هم‌چنان عضو رسمی نیروهای مسلح دولت بوده‌اند، حاکی است که فعالیت‌های انجام‌شده توسط شرکت منابع حرفه‌ای نظامی (MPRI) در راستا و بسیار نزدیک به منافع ایالات متحده بوده است (Singer, 2003: 121). در واقع، توجه ویژه ایالات متحده به استفاده از شرکت منابع حرفه‌ای نظامی (MPRI) به عنوان ابزاری برای اعمال سیاست‌های خارجی‌اش، به رغم آنکه این قرارداد میان دولت کرواسی و این شرکت منعقد شده است، می‌تواند با توجه به مفاد حقوق بین‌الملل ابزاری برای قابلیت انتساب باشد.

برای قابل انتساب بودن اعمال شرکت منابع حرفه‌ای نظامی (MPRI) به ایالات متحده، شرکت فوق باید از طرف ایالات متحده برای اجرای سیاست‌های خارجی این دولت مجاز باشد. ممکن است اعطای مجوز کلی فعالیت به این شرکت توسط وزارت امور خارجه ایالات متحده (آذری، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۲) برای اجرای قرارداد به عنوان عمل اعطای مجوز تلقی شود. به نظر می‌رسد امکان

اجرای قرارداد (و حتی انعقاد آن) میان دولت کرواسی و شرکت منابع حرفه‌ای نظامی (MPRI) بدون اعطای مجوز از سوی ایالات متحده غیرممکن بوده است. از این رو، اعمال این شرکت در این مورد، مطابق ماده ۵ طرح مسئولیت دولت‌ها به ایالات متحده قابل انتساب به نظر می‌رسد.

بند دوم: تعهدات دولت استخدام‌کننده

در حالی که برخی ابعاد و نتایج مسئولیت دولت استخدام‌کننده به طور مستقیم در حقوق بین‌الملل بشردوستانه مورد اشاره قرار گرفته است، دولت‌ها نمی‌توانند با استخدام شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی خود را از مسئولیت و تعهدات‌شان مبرا سازند. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، با اینکه قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه مفاد صریحی برای ممانعت استخدام شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی یا ممنوعیت فعالیت‌های آنها ندارد، چنانچه عمل شرکت سبب نقض تعهد دولت استخدام‌کننده شود، موجب عدم مسئولیت دولت بر اساس استانداردهای موجود نمی‌شود. یکی از معیارهایی که دولت‌های استخدام‌کننده شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی ملزم به رعایت تعهدات آن در به کارگیری این شرکت‌ها هستند، حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

با توجه به اینکه دولت‌ها نیازمند اماکنی به عنوان زندان، اردوگاه‌ها و مکان‌هایی برای بازداشت و توقیف افراد تحت حفاظت‌اند، باید استانداردهایی را برای نظارت و کنترل بر این اماکن در اختیار و کنترل مستقیم «افسر مسئول» یا «مقام غیرنظامی مسئول» رعایت کنند.^۱ در صورت وجود کنترل و نظارت کافی و مستقیم، مانعی برای دولت‌ها در استخدام شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی برای فعالیت در این اماکن وجود ندارد. بنابراین، اگر برای مثال یک شرکت برای گشودن اردوگاه زندانیان استخدام شود، دولت بازداشت‌کننده باید از اجرای استانداردهای بازداشت و رفتار با زندانیان مطابق کنوانسیون سوم ژنو، اطمینان حاصل کند و نمی‌تواند با این ادعا که یک شرکت نظامی یا امنیتی خصوصی را برای این کار استخدام کرده است، خود را از مسئولیت تبرئه کند.^۲ از این رو، با توجه به رفتاری که کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی با زندانیان در زندان ابوغریب داشتند، و با توجه به مفاد ماده ۱۳ کنوانسیون سوم

۱. ماده ۳۹ کنوانسیون سوم ژنو و ماده ۹۹ کنوانسیون چهارم

۲. برای نمونه، ماده ۱۲ کنوانسیون سوم ژنو مقرر می‌دارد: «اسیران جنگی در اختیار دولت دشمن هستند نه در اختیار اشخاص یا نیروهایی که آنها را اسیر کرده‌اند. صرف نظر از مسئولیت‌های شخصی که ممکن است وجود داشته باشد، دولت بازداشت‌کننده مسئول رفتاری است که با اسیران مزبور می‌شود.»



ژنو، مسئولیت دولت ایالات متحده به عنوان دولت استخدام‌کننده این شرکت‌ها، به دلیل نقض این تعهد، محرز و قطعی است.

از سوی دیگر، دولت‌ها متعهد به رعایت و حصول اطمینان از رعایت و اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر اساس ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو شده‌اند. یک بعد از اطمینان از رعایت و اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه آن است که دولت‌ها مطمئن شوند نیروهای مسلح آنها مطابق این قوانین عمل می‌کنند. در رویه دولت‌ها و حقوق بین‌الملل عرفی، به تفصیل به این شرط به عنوان موانع تشویق نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط طرف‌های خاصه پرداخته شده و این موضوع به عنوان شرطی ضروری برای دولت‌ها در راستای «اعمال نفوذ تا حد امکان برای جلوگیری از این نقض‌ها» مطرح شده است. دولت‌ها می‌توانند با اتخاذ ابزارها و شیوه‌های مقدماتی شامل افزایش آگاهی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه میان نیروهای مسلح خود و نیز با نظارت بر اجرای تعهدات آنها، برای مثال با نظارت بر اجرای دستورالعمل‌های داده‌شده به مقامات نظامی از اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه اطمینان یابند. با توجه به امکان تلقی کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی به عنوان اعضای نیروهای مسلح دولتی، آنها نیز باید تحت شمول چنین اقداماتی قرار گیرند. بدون تردید، پیش‌شرط رعایت و اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه، آگاهی از آن است و از این رو، کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی استخدام‌شده باید به طور کامل قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را آموزش دیده باشند. در واقع، قوانین صریحی در این مورد برای افراد دارای مسئولیت، به ویژه در ارتباط با اسیران جنگی در ماده ۲۷ کنوانسیون سوم ژنو و افراد تحت حمایت کنوانسیون چهارم ژنو در ماده ۱۴۴ آن وجود دارد.

در صورتی که کارکنان شرکت‌های نظامی خصوصی اعضای نیروهای مسلح دولتی باشند، دولت ملزم به آموزش آنها و صدور دستور مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه است^۱ و چنین نیروهایی باید بر اساس ماده ۸۶ پروتکل اول الحاقی، مشاوران حقوقی در دسترس داشته باشند. اگر این افراد عضو نیروهای مسلح نباشند، شرط آموزش آنها در قیود دیگر و در معاهدات سوم و چهارم ژنو پیش‌بینی شده است.^۲ به نظر می‌رسد در حالی که آموزش حقوق بین‌الملل

۱. ماده ۱ کنوانسیون چهارم لاهه و بند ۲ ماده ۸۰ پروتکل اول الحاقی

۲. ماده ۱۲۷ کنوانسیون سوم ژنو و ماده ۱۴۴ کنوانسیون چهارم ژنو: دول متعاهد تعهد می‌کنند که در زمان صلح و جنگ، متن این قرارداد را در کشور خود به وسیع‌ترین میزان ممکن اشاعه دهند... مقامات نظامی یا غیرنظامی که در زمان جنگ مسئولیت‌هایی در قبال اسیران دارند، باید متن این قرارداد را داشته باشند و مقررات آن را به این افراد آموزش دهند.

بشردوستانه به وضوح برای افراد دارای مسئولیت در ارتباط با اشخاص تحت حمایت کنوانسیون‌های ژنو الزامی است، این کنوانسیون‌ها در این باره که چه کسی باید این آموزش‌ها را به این افراد بدهد، سکوت می‌کنند. در نتیجه، زمانی که شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی به استخدام دولت‌ها درمی‌آیند، دولت استخدام‌کننده می‌تواند چنین آموزش‌هایی را به آنها بدهد یا شرط سپری کردن چنین آموزش‌هایی را در قرارداد بگنجاند که در این صورت، شرکت ملزم به حصول اطمینان از برآورده شدن این شرط است.

علاوه بر شرط آموزش، دستورالعمل‌های ارائه‌شده به کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی نیز باید بر اساس، مطابق و در راستای تعهدات حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد.^۱ دولتی که یک شرکت نظامی و امنیتی خصوصی را استخدام می‌کند، هم‌چنین می‌تواند «قوانین خاصه» یا «استانداردهای شیوه‌های عملیاتی» را تأمین و اجرا یا آن را به شرکت محول کند. از طرف دیگر، به منظور حصول اطمینان از اجرای دستورالعمل‌ها، دولت استخدام‌کننده باید شیوه‌هایی از نظارت بر عملکرد و فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی را اتخاذ کند. یکی از اهداف این نظارت رسیدگی فوری به هرگونه ادعای تخلف است که این خود تعهدی برای اطمینان از رعایت و اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

تعهدات و مسئولیت‌های ثانویه دولت برای نقض قواعد توسط عوامل خصوصی به طور مستقیم بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه موضوعی تازه است که تنها مرجع چنین مفهومی را می‌توان در تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از ماده ۹۱ پروتکل اول الحاقی یافت. مطابق این ماده، هر دولت طرف مخاصمه در صورت نقض مفاد کنوانسیون‌ها یا پروتکل، ملزم به پرداخت غرامت خواهد بود. طرف مذکور در قبال تمام اعمالی که توسط اشخاصی ارتکاب می‌شود که بخشی از نیروهای مسلح آن هستند، مسئول خواهد بود. تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مقرر می‌دارد که بر همین اساس دولت مسئول نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط عوامل خصوصی خواهد بود، اگر دولت «اقدامات پیشگیرانه یا سرکوب‌کننده را که به طور معقول انتظار می‌رفت در آن شرایط اعمال کند، اتخاذ نکرده باشد» (Commentary on the Additional Protocol, P. 1057).

از سوی دیگر، در ارتباط با رویه قضایی در مسئولیت دولت‌ها در نتیجه تخلفات عوامل خصوصی، حکمی را که قابل مقایسه با مسئولیت ناشی از فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی است، می‌توان در رأی دیوان بین‌المللی

دادگستری در دعوی کنگو علیه اوگاندا یافت.^۱ اگرچه مشخص نیست که آیا صدور این حکم تنها به دلیل مسئولیت خاص دولت اشغالگر بوده است که بسیار مشابه مسئولیت دولت‌ها بر اساس حقوق بشر برای اشخاص تحت صلاحیت‌شان است یا خیر. به نظر می‌رسد چنین استدلالی برای شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی نیز به‌طور مشابه قابل اعمال باشد (Doswald-Beck, 2007: 132).

در عین حال، بر اساس ماده ۱۲ کنوانسیون سوم ژنو در خصوص اسیران جنگی، دولت استخدام‌کننده در قبال هرگونه نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه توسط تمام افرادی که در انجام عملیات خصمانه به کار گرفته است، اعم از شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی مسئول است. بنابراین، در صورت نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط شرکت نظامی خصوصی استخدام‌شده، اگر دولت استخدام‌کننده به نیروهای این شرکت آموزش کافی ارائه یا از سپری کردن آموزش اطمینان حاصل نکرده باشد، برای این نقض‌های ارتكابی (جرائم) به دلیل غفلت خود و عدم اجرای مفاد کنوانسیون، مسئول خواهد بود (Hopper, 1993: 2002). در ارتباط با حوادث زندان ابوغریب، در میان افرادی که در این زندان مرتکب نقض قواعد حقوق بین‌الملل و بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر شده‌اند، کارکنان دو شرکت نظامی خصوصی CACI به عنوان بازجو و تیتان به عنوان مترجم حضور داشته‌اند. این افراد بخشی از مرکز ویژه بازجویی و اطلاعات واحد زندان ابوغریب بودند که به منظور کسب اطلاعات از زندانیان شکل گرفته بود. کارکنان عامل نقض حقوق بشر در زندان ابوغریب به طور مستقیم با شرکت‌های نظامی خصوصی مرتبط بوده‌اند. از سوی دیگر، این شرکت‌ها و در نتیجه کارکنان آنها نزدیک‌ترین نوع ارتباط را با دولت ایالات متحده داشتند و براساس قراردادی واقعی برای این دولت فعالیت می‌کردند. چنین قراردادهایی همانند قراردادهای عادی شرکت‌های نظامی خصوصی توافقی برای ارائه خدماتی معین (حتی تجاری) نیست. اگر چنین بود، مسئولیت جرائم ارتكابی کارکنان این شرکت‌ها به سادگی به واسطه دکترین استاندارد مسئولیت نیابتی^۲ برای اعمال کارکنان، به شرکت منتقل می‌شد. این قراردادهای شرکت‌های نظامی خصوصی را با دولت هماهنگ و کارکنان آنها را با هدف دستیابی به نتایج راهبردی در نیروهای نظامی ادغام کرده است یا به شکل پشتیبانی‌های مختلف از خدمات

۱. در این حکم دیوان اعلام کرد که «اوگاندا به عنوان قدرت اشغالگر مسئول اعمال عوامل خصوصی بوده است». در ادامه دیوان مقرر داشت: «از آنجا که دولت اوگاندا مطابق ماده ۴۳ مقررات لاهه موظف به «حصول اطمینان تا حد ممکن از نظم عمومی و امنیت بوده است... مسئولیت اوگاندا برای غفلت و کوتاهی در پیشگیری از نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط عوامل حاضر در منطقه اشغالی... احرار می‌شود» (ICJ Reports, ۲۰۰۵, Paras, ۱۷۸-۱۷۹).

۲. این نوع مسئولیت به معنای تعهد و مسئولیت کارفرما نسبت به اعمال کارکنان در زمانی است که تحت نظارت او هستند. به عبارت دیگر، در این شرایط کارفرما نیابتاً مسئول اعمال کارکنان است.

این شرکت‌ها بهره برده‌اند. از طرف دیگر، نیروهای پیمانکار خصوصی، تحت نظارت و کنترل یک افسر متعاقد که یکی از نیروهای نظامی بود، قرار داشته و بنابراین هر دو این شرکت‌های نظامی خصوصی دستورالعمل‌ها را از طریق سلسله مراتب دریافت و به نیروها و زیردستان خود منتقل کرده‌اند. برای مثال، دستور کار شرکت CACI توسط ارتش ایالات متحده صادر می‌شد که این ارتش نیز از وزارت دفاع این کشور کسب تکلیف می‌کرد. قرارداد ارائه خدمات بازجویی توسط شرکت CACI تصریح می‌دارد کارکنان این شرکت‌ها «توسط نیروهای نظامی صلاحیت‌دار هدایت شده» و «این شرکت مسئول نظارت بر تمام کارکنان خویش است» (Maogoto and Benedict, 2009: 128).

مطابق قراردادهای و اطلاعات تحقیقات رسمی، روشن است پیمانکاران خصوصی و کارکنان آنها در زندان ابوغریب به طور رسمی تحت نظارت و کنترل ارتش ایالات متحده قرار داشته‌اند. در این ارتباط ولف معتقد است: «تفویض بازجویی از زندانیان و اسرای جنگی به پیمانکاران خصوصی از طریق دستورالعمل‌های نظامی ایالات متحده و با توجه به سیاست‌های این کشور ممکن بوده است. چنین خصوصی‌سازی با امضای قراردادهای رسمی با این شرکت‌ها تأیید شده است. علاوه بر این، بازجویی از زندانیان و اسرای جنگی از وظایف ذاتی و بنیادین دولت بوده... و نیازمند آشنایی گسترده با استانداردهای حقوق بین‌الملل در زمینه‌های قواعد بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر است» (Wulf, 2002: 96-98). عملکرد ضعیف و ناکارآمد ایالات متحده در نظارت و کنترل بر کارکنان شرکت‌های نظامی خصوصی در استخدام این دولت، به این واقعیت که ایالات متحده رسماً مسئول هدایت و کنترل این افراد بوده است خدشه‌ای وارد نمی‌کند. در تحقیقات بعدی از این حادثه مشخص شد ۱۱ نفر از ۳۳ نیروی شرکت CACI (حدود ۳۵ درصد) که توسط وزارت دفاع ایالات متحده استخدام شده بودند، آموزش‌های نظامی و تکنیک‌های بازجویی پلیسی را نگذرانده بودند (Maogoto and Benedict, 2006: 227). از این رو، مسئولیت دولت ایالات متحده به عنوان دولت استخدام‌کننده در قبال اعمال دو شرکت نظامی و امنیتی خصوصی CACI و تیتان در جرایم ارتكابی در زندان ابوغریب، به واسطه نقض تعهد آموزش این افراد، محرز است.

علاوه بر تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه، دولت‌های استخدام‌کننده شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی ملزم به رعایت تعهدات دیگری هستند. سند مونتریو یکی از معدود اسنادی است که به طور خاص به



شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی اختصاص یافته است.^۱ در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۸، سند مونترئو در ارتباط با تعهدات بین‌المللی، الزامات قانونی و رویه مناسب برای دولت‌های در ارتباط با شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در مخاصمات مسلحانه به امضا رسید. سند مونترئو روشن‌ترین عبارات را درباره هنجارهای حقوقی و تجاری، و شیوه‌های اجرایی و نظارتی در شکل‌دهی به روابط میان دولت‌ها و شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی ارائه کرده است. این سند در واقع مبنایی اساسی در ترتیبات مؤثر در تضمین رعایت حقوق بشر و مسئولیت سوءرفتار شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی ارائه داده و در سه بعد قابل توجه است: اول، بخشی از این سند به بیانیه مشترکی از سوی برخی دولت‌ها که بر اساس دریافت خود از حقوق بین‌الملل بیش از سایر دولت‌ها از فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی متأثر شده‌اند، اختصاص یافته است. در واقع، سند مونترئو بیانیه مهمی است درباره قوانین موجود در ارتباط با تعهد دولت‌ها در خصوص شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، در حفاظت از حقوق بشر و حصول اطمینان از رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه. این سند مدرکی رسمی است در ردّ نظریه فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در خلأ قانونی و اینکه دولت‌ها می‌توانند با عقد قرارداد با این شرکت‌ها از تعهدات خود اجتناب کنند.

دوم، سند مونترئو تصویری کلی از اصول رایج میان دولت‌های کلیدی در موضوع تعهدات دول برای تنظیم شیوه عمل برون مرزی واحدهای تجاری ارائه می‌دهد. نکته قابل توجه آنکه سند یادشده، به طور مشخص، مجموعه‌ای از تعهدات دولت‌ها مطابق حقوق بین‌الملل عرفی و قرارداد را مشخص می‌کند. سوم، بخش دوم سند مونترئو استانداردهایی را که ممکن است در آینده به رویه‌ای عملی در ارتباط با شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی از طریق قراردادهای، قوانین ملی، ابزارهای ملی و استانداردهای بین‌المللی تبدیل شود، پیشنهاد می‌دهد.^۲ این ابزارها و شیوه‌های مناسب به مواردی متعدد شامل کنترل و نظارت بر شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، مشارکت مستقیم در

۱. این سند حاصل نشست به ابتکار دولت سوئیس و دعوت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است که در پی حوادث عراق شکل گرفت. قتل کارکنان شرکت بلک واتر و حادثه فلوجه در سال ۲۰۰۴ و بعد از گذشت چند ماه، مشارکت شرکت CACI و تیتان در رسوایی زندان ابوغریب و شلیک کارکنان شرکت بلک واتر به غیرنظامیان در بغداد در سال ۲۰۰۷ موجب افزایش نگرانی درباره مسئولیت‌های ناشی از این حوادث شد. یک سال و یک روز پس از قتل عام ۷ غیرنظامی توسط کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در بغداد، ۱۷ دولت سندی را امضا کردند که امید می‌رفت پایه و اساس قوانین کنترلی مؤثری باشد و مسئولیت این شرکت‌ها را در مقابل جرایم ارتكابی و نقض قواعد حقوق بین‌الملل افزایش دهد.

۲. برای مثال، پاراگراف مقدماتی، پاراگراف پنجم و آخرین پاراگراف سند را مشاهده کنید.

مخاصمات، بررسی صلاحیت و آموزش کارکنان، تعهدات و مسئولیت و مصونیت از صلاحیت دادگاه‌های خارجی اشاره دارد. سند مونتریو استانداردهای خاصی را به دولت‌هایی مرتبط با شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی اعمال کرده که برای هر دسته از این دولت‌ها دربردارنده تعهدات بین‌المللی برآمده از حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

مطابق این سند، دولت استخدام‌کننده یک شرکت نظامی و امنیتی خصوصی باید هنگام انتخاب یک شرکت به موارد زیر توجه کند: نخست، رفتارها و عملکرد سابق شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و کارکنان آنها را بررسی کند که کارکنان این شرکت‌ها به ویژه افرادی که ملزم به حمل اسلحه برای انجام وظایف خود بوده‌اند، سابقه‌ای قابل اعتماد در عدم مشارکت و ارتکاب جرایم شدید یا عدم اخراج از نیروهای مسلح نظامی و امنیتی داشته باشند (قسمت دوم، پاراگراف‌های ۶ و ۱۳). دوم، شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی از کارکنان و اموال خود به دقت محافظت و آنها را به روز می‌کنند به ویژه در ارتباط با سلاح و مهمات باید این اموال بازرسی شوند (قسمت دوم، پاراگراف‌های ۹ و ۳۴). سوم، کارکنان این شرکت‌ها از آموزش کافی به ویژه در ارتباط با مقررات استفاده از زور و اسلحه برخوردار باشند (بخش دوم، پاراگراف‌های ۱۰ الف و ۳۵ الف). چهارم، شرکت مد نظر باید سلاح‌های خود را به شیوه‌های قانونی به دست آورد و از تجهیزات به ویژه سلاح‌هایی استفاده کند که توسط حقوق بین‌الملل منع نشده باشد (قسمت دوم، پاراگراف ۱۱) و در نهایت اینکه آیا مقررات کنترلی داخلی شرکت شامل سیاست استفاده از زور و سلاح گرم است یا خیر (قسمت دوم، پاراگراف ۱۲)؟

ابزار دیگری که تعهداتی را برای دولت‌های استخدام‌کننده شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی پیش‌بینی کرده پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی سازمان ملل متحد در مقررات، نظارت و کنترل شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی^۱ است که در حقیقت در پی ایجاد نظام قانونی ملی و بین‌المللی و برطرف کردن مشکلات این صنعت است.^۲ این پیش‌نویس کنوانسیون نیز از تعهد دولت‌ها

1. International Convention on the Regulation, Oversight and Monitoring of Private Military and Security Companies.

۲. این پیش‌نویس در ۵۲ ماده و ۶ قسمت شامل قیود عمومی، اصول کلی، کنترل قانونی و نظارت، مسئولیت دولت‌ها در اعمال مجازات‌های کیفری برای مجرمان و جبران خسارت قربانیان، تعهدات سازمان‌های بین‌دولتی و غیردولتی، نظارت و کنترل بین‌المللی و قیود نهایی تنظیم شده و ضمن منع شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی از انجام برخی فعالیت‌ها، برای دولت‌ها تعهداتی در راستای کنترل و نظارت بیشتر بر عملکرد این شرکت‌ها پیش‌بینی کرده است.



به آموزش نیروهای در استخدام‌شان غافل نمانده و در همین راستا، بند سوم ماده ۴ آن مقرر می‌دارد هر دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که عوامل غیردولتی که با آنها قرارداد منعقد می‌کند، آموزش دیده باشند و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و هنجارهای حقوق بشر را رعایت کنند.

یکی دیگر از تعهداتی که دولت‌های استخدام‌کننده عضو این کنوانسیون ملزم به رعایت آن هستند، آن است که بر اساس ماده ۸، باید دامنه و حوزه فعالیت‌های شرکت‌های نظامی یا امنیتی خصوصی را تعریف و محدود کنند و به ویژه عملیات‌هایی را که به طور ذاتی فعالیت‌های دولت تلقی می‌شوند، ممنوع سازند. علاوه بر آن، براساس مواد ۹ و ۱۰ این پیش‌نویس، دولت‌های عضو باید متعهد به تصویب کنوانسیون بین‌المللی منع استخدام، استفاده، تأمین مالی و آموزش مزدوران شوند و با اتخاذ شیوه‌های قانون‌گذاری، اجرایی و سایر روش‌های مورد نیاز، شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و کارکنان آنها را از مشارکت مستقیم در مخاصمات مسلحانه و فعالیت‌های نظامی تروریستی با ماهیت داخلی یا بین‌المللی در سرزمین هر دولتی بازدارند.

مبحث دوم: مسئولیت و تعهدات سایر دولت‌ها

همان‌گونه که ملاحظه شد، علاوه بر دولت‌های استخدام‌کننده شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، سایر دولت‌ها نیز در توسعه رعایت و اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی فعال در شرایط مخاصمه مسلحانه، نقش و تعهد دارند. به طور کلی همه دولت‌ها موظف به تعقیب یا استرداد افراد مظنون به ارتکاب جرایم جنگی هستند. بنابراین، همه دولت‌ها مسئولیت دارند کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی متهم به نقض شدید قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را به دست عدالت بسپارند. بدیهی است برخی دولت‌ها به دلیل وجود نوعی ارتباط با تخلف، بیشتر در پی تعقیب این افراد خواهند بود. این دولت‌ها اغلب شامل دولت‌هایی که عمل نقض در آن روی داده، دولت متبوع قربانیان یا در صورت تفاوت، دولتی که قربانیان در آنجا هستند، دولت متبوع متهم و احتمالاً دولت متبوع شرکت هستند (Kalshoven, 1999).

بند اول: دولت موطن^۱ یا صادرکننده^۲ شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی دولت موطن یا صادرکننده شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، دولتی است که شرکت مد نظر در آن ثبت یا واقع شده است. چنانچه دولتی که شرکت نظامی و امنیتی خصوصی در آن واقع شده است محل اصلی فعالیت و مدیریت شرکت نباشد، دولتی که محل اصلی فعالیت شرکت در آن قرار دارد، دولت موطن تلقی می‌شود (Montreux Document, 2008: para 9).

درباره فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی ممکن است این سؤال مطرح شود که در صورت نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط کارکنان این شرکت‌ها، آیا اعمال آنها قابل انتساب به دولت موطن است یا خیر؟ پاسخ به این سؤال باید از سه زاویه مورد بررسی قرار گیرد: اول، بر اساس ماده ۴ طرح مسئولیت دولت‌ها، در صورتی که پیمانکاران نظامی خصوصی، نیروهای مسلح دولت موطن را تشکیل دهند یا در آن ادغام شده باشند، اعمال آنها قابل انتساب به دولت است و هرگونه نقض حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه موجب مسئولیت مستقیم دولت موطن می‌شود. اما احتمال تحقق چنین فرضیه‌ای بسیار ضعیف است. رویه‌های موجود حاکی است که شرکت‌های نظامی خصوصی به ندرت در نیروهای مسلح دولتی به ویژه دولت موطن خود ادغام می‌شوند و معمولاً بر اساس قرارداد و موافقت‌نامه‌های خاص عمل می‌کنند (Francioni, 2009: 12).

دوم، به نظر می‌رسد چنانچه شرایط پیش‌بینی‌شده در ماده ۵ پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت‌ها احراز شود، این ماده بر رابطه میان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و دولت‌ها قابل اعمال است. به عبارت دیگر، اگر دولت موطن از مجرای قانونی به شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی مجوز فعالیت در سرزمین خود را بدهد و نیز با حفظ این مجوز، اقدام به صدور این شرکت‌ها و خدماتشان به سایر کشورها کند، چنانچه شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی تحت آن با مجوزهای قانونی اقدام به ارائه خدماتی کنند که اعمال اقتدار حکومتی تلقی می‌شوند، مسئولیت دولت موطن قابل احراز است (Ibid, P. 14).

سوم، بر اساس ماده ۸ طرح مسئولیت دولت‌ها، مسئولیت دولت موطن نسبت به اعمال شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی چنانچه این شرکت‌ها تحت کنترل و فرمان دولت موطن عمل کنند، مسلم است.

دولت‌های موطن شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی همانند سایر دولت‌ها

1. Home State
2. Exporting State



تعهدات و مسئولیت‌هایی در قبال اعمال شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی دارند. عمده این تعهدات شامل تعهد به «اجرا و تضمین اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه» و تعهد به «آموزش حقوق بین‌الملل بشردوستانه» است که پیشتر به تفصیل به آن پرداخته شد. در راستای این تعهد، به نظر می‌رسد یکی از شیوه‌های ممکن به منظور اجرا و توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تصویب چارچوب‌های قانونی و نظارتی به عنوان ابزاری در راستای اجرا و تضمین اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط دولت‌های موطن است و آنها را تا حدودی قادر به اعمال کنترل و نظارت بر فعالیت‌های فرامرزی شرکت‌های خود می‌کند. در واقع این دولت‌ها، همانند دولت‌های استخدام‌کننده، تعهداتی دارند که می‌توانند با نظارت بر صدور مجوز فعالیت بر شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و ایجاد استانداردهایی برای تشکیل، ثبت و فعالیت‌های این شرکت‌ها، به قانون‌گذاری در راستای اجرای تعهدات بشردوستانه خود اقدام کنند. دولت‌های موطن می‌توانند با وضع قوانین و مقررات متعدد شرایطی فراهم آورند که در گام نخست شرکت‌هایی که به نظر می‌رسد عامل نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه خواهند بود، نتوانند مجوز فعالیت از مجاری قانونی کسب کنند و در گام بعدی با اعمال نظارتی همه‌جانبه، با خودداری از تجدید نظر یا تمدید مجوز این شرکت‌ها، آنان را به رعایت اصول و قواعد حقوق بشردوستانه وادار سازند (Chiara, 2006: 56).

در همین راستا، بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون نظارت و کنترل بر فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی نیز شرایطی خاص را پیش‌بینی کرده است.^۱ به نظر می‌رسد این ماده به وضوح تکلیف دولت‌های متبوع شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی را در ایجاد شیوه‌های نظارتی به منظور حصول اطمینان از رعایت و احترام به قواعد موجود حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بشر روشن می‌سازد. در واقع، رویه دولت‌ها حاکی است که اغلب دولت‌های صادرکننده شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی اقدام به قانون‌گذاری در سطح ملی کرده‌اند که از جمله این دولت‌ها می‌توان به ایالات متحده اشاره کرد^۲ (Kinsey, 2006: 136-142).

۱. این ماده مقرر می‌دارد: «هر دولت عضو باید اقدامات قانون‌گذاری، قضایی، اداری و سایر موارد ضروری ممکن را برای اطمینان از اینکه شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی تأسیس‌شده و فعال در سرزمین آنها و هم‌چنین کارکنان این شرکت‌ها برای اجرا و تضمین اجرای اصول بین‌المللی و قواعد این کنوانسیون و رعایت و حمایت از حقوق بشر ملزم و مسئول‌اند، اتخاذ کند.»

۲. مطابق قانون کنترل و نظارت بر صادرات اسلحه در آمریکا، شرکت‌های آمریکایی که خدمات مشاوره نظامی را به اتباع خارجی در داخل یا خارج این کشور ارائه می‌کنند ملزم به ثبت شرکت و اخذ مجوز لازم از وزارت امور خارجه این کشور مطابق آیین‌نامه انتقال بین‌المللی سلاح هستند.

نمونه دیگر قانون گذاری در سطح ملی در آفریقای جنوبی است که شفاف ترین موضع را در ارتباط با کنترل شرکت های نظامی خصوصی و ارسال کمک های نظامی توسط آنها به خارج از کشور اتخاذ کرده و مقررات آن گسترده ترین قانون ملی درباره شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی است. مواد این قانون صلاحیت برون مرزی را به دولت آفریقا به منظور برخورد با متخلفان اعطا می کند که انگیزه ای برای ایجاد سیستمی یکپارچه به منظور بررسی مسائل مربوط به شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی و کنترل تسلیحات نامتعارف، به طور عمده ناشی از عملکرد جنجال انگیز شرکت های نظامی خصوصی آفریقایی نظیر اگزکیوتیو اوت کامز شد. این قانون بر تمام اشخاص حقیقی شهروند یا مقیم دائم در آفریقا یا اشخاص حقوقی و شرکت های ثبت شده در آن و هر شهروند خارجی که در مرزهای آفریقا از این مقررات تخطی کرده باشد، قابل اعمال است و مقرر می دارد هیچ کس در آفریقا و نه در جای دیگر، مجاز به استفاده و استخدام مزدوران نخواهد بود (Singer, 2004: 539). تمام شرکت ها و اشخاص درگیر در خدمات امنیتی از جمله مدیران، کارکنان فروش، کارکنان فنی، کارکنان موقت، محافظان، افسران آموزش و سایر پرسنل باید ثبت نام شوند، در غیر این صورت، تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

علاوه بر ایالات متحده و آفریقای جنوبی، بوسنی و هرزگوین نیز همانند سایر کشورهای اروپایی، قوانینی در ارتباط با کنترل و نظارت بر بخش امنیت خصوصی دارد. عمده این قوانین مشتمل بر مواردی از جمله شرایط صدور مجوز، فعالیت های مجاز و استفاده از سلاح تحت شرایطی خاص است. این قانون تعهداتی را بر شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی مبنی بر سپری کردن دوره های آموزشی پرسنل و کنترل مهارت و سلامتی روحی و روانی کارکنان اعمال کرده است که می توان آن را ناشی از تعهد دولت براساس ماده ۱ مشترک کنوانسیون های ژنو قلمداد کرد. علاوه بر این شرط، مطابق مواد ۷، ۱۱ و ۱۲ این قانون، صاحبان و متقاضیان ثبت شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی نباید هیچ سابقه ای از نقض قوانین، صلح و نظم عمومی داشته و پیشتر به جرایم کیفری محکوم شده باشند (Kržalić, 2009: 18-22).

علاوه بر دولت های فوق، بریتانیا نیز یکی از دولت هایی است که شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی متعددی در آن به ثبت رسیده اند. به منظور شناسایی و توسعه و نظارت بر عملکرد این شرکت ها، دولت این کشور بررسی این موارد را در دستور کار خود قرار داده است و در همین راستا پس از درخواست کمیته



امور خارجه از مجلس عوام، سند راهبرد دفاعی^۱ برای بحث درباره استفاده از شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و دخالت اتباع بریتانیایی در عملیات نظامی خارج از کشور گشوده شد. این سند در سطوح مختلف به بررسی و پیشنهاد راهکارهایی در ارتباط با فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و کنترل و نظارت بر آنها می‌پردازد.

علاوه بر تعهدات عمومی و مشترک دولت‌ها که شامل دولت‌های موطن نیز می‌شود، پیش‌نویس کنوانسیون نظارت و کنترل بر فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی نیز تعهدات خاصی برای این دسته از دولت‌ها پیش‌بینی کرده است. مطابق بند ۱ ماده ۱۶ این پیش‌نویس کنوانسیون، تمام دولت‌های عضو باید با اتخاذ اقدامات مناسب و ضروری، اطمینان حاصل کنند که شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و کارکنان آنها به طور انحصاری به فعالیت تحت مجوزهای مربوط مبادرت می‌کنند. از سوی دیگر، بند ۲ ماده ۱۳ همین پیش‌نویس کنوانسیون، دولت‌های موطن این واحدها را به ارائه اطلاعات شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و فعالیت‌های آنها در راستای کنترل بیشتر ملزم می‌دارد. مطابق این ماده، دولت‌های عضو باید اقداماتی عملی به منظور انتشار اطلاعات شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی که در خارج از قلمرو آنها فعالیت می‌کنند و برای ایجاد کنترل بر ارائه چنین خدماتی، به منظور حصول اطمینان از استفاده مناسب از چنین اطلاعاتی بدون هیچ مانع قانونی، اتخاذ کنند. همچنین برای اطمینان از اینکه بخش‌های اداری، اجرایی و تنظیمی و سایر نهادهای اعمال نظام کنترل و نظارت بر فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و کارکنان آنها، قادر به همکاری و تبادل اطلاعات در سطح ملی و بین‌المللی هستند، باید در سطح داخلی، نهادی پیش‌بینی شود که به عنوان مرکز ملی برای جمع‌آوری، تحلیل و مبادله اطلاعات مرتبط با نقض‌های احتمالی حقوق ملی و بین‌المللی و برای تهیه اطلاعات عملکرد و فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی عمل کند.^۲

بند دوم: دولت سرزمینی

دسته‌ای دیگر از دولت‌هایی که تعهداتی در ارتباط با شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی دارند، دولت‌های سرزمینی هستند. دولت سرزمینی دولتی

1. Green Paper

۲. بند ب ماده ۱۳ پیش‌نویس کنوانسیون



است که شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در آن مشغول فعالیت‌اند.^۱ برای این دولت‌ها دو وضعیت قابل تصور است: اول، ممکن است دولت سرزمینی خود به استخدام شرکت نظامی و امنیتی خصوصی مبادرت کند. دوم، ممکن است شرکت نظامی و امنیتی مد نظر توسط دولت دیگری برای فعالیت در سرزمین دیگر استخدام شده باشد. در این صورت دولت دوم، تنها میزبان این شرکت‌ها خواهد بود. برای مثال، در عراق شرکت‌های نظامی خصوصی متعددی از جمله بلک وائر و کلاگ براون و روت^۲ توسط ایالات متحده برای فعالیت در این کشور استخدام شده بودند. دولت‌های میزبان به طور معمول تمایلی ویژه به کنترل نیروهای مسلح فعال در سرزمین‌های خود دارند.^۳

برای دولت‌های سرزمینی تعهداتی بر اساس سند مونتریو پیش‌بینی شده است. در بند ۹ این سند مقرر شده است دولت‌های سرزمینی متعهد به حصول اطمینان از رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی فعال در سرزمین‌شان هستند. این دولت‌ها باید تا حد ممکن به ترویج حقوق بین‌الملل بشردوستانه و سایر هنجارهای مرتبط با آن میان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و کارکنان آنها بپردازند. در حقیقت، این تعهد تکرار تعهد همه دولت‌ها بر اساس ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های ژنو است.

هم‌چنین دولت‌های سرزمینی ملزم به تصویب قوانین لازم به منظور ایجاد و اعمال جریمه و مجازات‌های مؤثر برای مرتکبان یا افراد دستوردهنده به ارتکاب جرایمی هستند که نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل اول الحاقی تلقی می‌شود (Montreux Document 2008, para. 11). از سوی دیگر، علاوه بر ادغام مواد فوق در قوانین صدور مجوز، دولت‌های سرزمینی باید قوانین مناسبی درباره در اختیار داشتن سلاح توسط شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و پرسنل آنها تدوین کنند. به طور خلاصه، این سند شامل موارد دقیق متعددی در زمینه دسترسی به سلاح گرم و مدیریت شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی است که می‌تواند در مقررات ملی کشورهایی منعکس شود که استفاده از شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در آنها مجاز شمرده شده است. چنین نظامی می‌تواند در وهله اول، شرکت خواستار ارائه خدمات نظامی و امنیتی را

۱. ماده ۲ پیش‌نویس کنوانسیون نظارت و کنترل بر شرکت‌های نظامی، امنیتی و خصوصی

2. Kellogg Brown, Rowt

۳. در حال حاضر تنها دو دولت عراق و سیرالئون دارای قوانین مشخصی برای فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی فعال در سرزمین خود هستند. افغانستان نیز در حال تهیه چارچوب نظارتی قانونی است.

ملزم به اخذ مجوز فعالیت در سرزمین دولت کند. برای این منظور، یک شرکت ممکن است ملزم به داشتن برخی شرایط و معیارها با هدف حصول اطمینان از مطابقت فعالیت‌هایش با حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد. این شرایط ممکن است شامل آموزش حقوق بین‌الملل بشردوستانه به نیروها، اتخاذ و تصویب استانداردهای عملیاتی یا قواعد فعالیت منطبق با حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی و تعهدات آنها، ایجاد سازوکارهای داخلی برای بررسی ادعاهای مربوط به نقض قوانین توسط کارکنان این شرکت‌ها و انتقال شواهد و یافته‌ها به مقامات صلاحیت‌دار برای تحقیقات بیشتر باشد (Chiara, 2006: 560). بدیهی است این چارچوب‌های قانونی جنبه‌های متعددی از فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی را از جمله نوع فعالیت‌های بخش خصوصی و نوع سلاح‌هایی که ممکن است به کار گیرند، تحت پوشش قرار می‌دهد.

در نهایت، با توجه به اینکه دولت سرزمینی ممکن است خود طرف مخاصمه نباشد و تنها میزبان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی باشد، در شرایط اشغال، تعهدات این دولت تنها به مواردی محدود می‌شود که قادر به اعمال کنترل مؤثر بر آنهاست (Montreux Document 2008, para. 13).

پیش‌نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد در نظارت و کنترل بر شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی نیز تعهداتی برای دولت‌های سرزمینی پیش‌بینی کرده است. در بند اول ماده ۱۳ این پیش‌نویس مقرر شده است هر دولت عضو باید نظام داخلی جامعی از قوانین و مقررات تأسیس کرده و بر فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و کارکنان آنها شامل تمام نیروهای خارجی، به منظور منع و رسیدگی به فعالیت‌های ممنوع تعریف‌شده در این کنوانسیون، در سرزمین خود اقدام کند. همچنین دولت‌های عضو به صراحت برای فعالیت‌های نظامی و امنیتی شرکت‌های خصوصی ثبت‌شده یا مشغول فعالیت در سرزمین آنها مطابق بند ۲ ماده ۴، مسئول شمرده شده‌اند. این ماده بدون ارائه توضیح بیشتری در خصوص نوع ارتباط شرکت‌ها و قابلیت انتساب اعمال‌شان به دولت‌های متبوع یا محل فعالیت، این دولت‌ها را در قبال تمام اعمال شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی مسئول می‌داند.

از سوی دیگر، دولت‌هایی که شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در سرزمین آنها به فعالیت می‌پردازند ممکن است اقدام به تصویب قوانینی به منظور حمایت از ساکنان و اتباع خود در مقابل عواقب نامطلوب عملیات این شرکت‌ها کنند که به طور بالقوه احتمال بروز آن وجود دارد. اغلب دولت‌های



اروپایی با تصویب یک یا چند قانون، پیش‌شرط‌هایی برای شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی به منظور فعالیت در سرزمین‌شان تعیین کرده‌اند که این چارچوب‌های قانونی بسیار متفاوت است. در همین راستا، از جمله اقدامات اتخاذشده توسط دولت‌های سرزمینی می‌توان به لزوم صدور مجوز فعالیت شرکت اشاره کرد. صدور مجوز برای شرکت در واقع سازوکاری عادی برای کنترل فعالیت شرکت‌های تجاری خاصی است که مجاز به فعالیت تنها در اموری هستند که توسط دولت مشخص می‌شود. چنین مجوزی برای بازه زمانی محدودی صادر شده است و فعالیت‌های نظامی و امنیتی مربوط به آن باید به طور کامل و شفاف تعریف شود. عنصر مهم در این ارتباط، ایجاد قیود و شیوه‌های عملی برای درخواست اعطای مجوز است. با توجه به اهمیت موضوع امنیت مسلحانه و خدمات نظامی، علاوه بر صدور مجوز برای شرکت‌ها، ممکن است شرکت ملزم شود پیش از انعقاد قرارداد یا معامله‌ای خاص، مورد قرارداد را به تصویب مقامات دولتی برساند.

علاوه بر موارد فوق، ممکن است دولت سرزمینی ارائه خدمات نظامی و امنیتی و عملیات‌های خاصی را منوط به اخذ مجوز برای آن عملیات کند. این امر موجب افزایش نظارت و کنترل بر فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و حذف فعالیت‌های نامطلوب می‌شود. مقررات مرتبط با تملک، حمل و استفاده از اسلحه توسط کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی نیز در راستای کنترل و نظارت هرچه بیشتر فعالیت این شرکت‌ها حایز اهمیت است و می‌تواند تحت هر کدام از نظام‌های اعطای مجوز مورد ملاحظه قرار گیرد. اغلب دولت‌ها مقرراتی تصویب‌شده در ارتباط با تملک، حمل و استفاده از اسلحه در قوانین داخلی خود پیش‌بینی کرده‌اند و در نتیجه در ارتباط با شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، محدودیت‌هایی در نوع سلاحی که کارکنان این شرکت‌های می‌توانند حمل یا استفاده کنند، وجود دارد.

نکته بسیار حایز اهمیت این است که در صورت وضع قوانین توسط دولت‌های میزبان، شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی موضوع این قوانین قرار می‌گیرند و در چنین شرایطی این شرکت‌ها بدون تردید تحت صلاحیت این دولت‌ها خواهند بود، اگرچه تاکنون دولت‌های میزبان یا استخدام‌کننده معدودی قوانین مشخص در این ارتباط تصویب کرده‌اند.



نتیجه گیری

همان گونه که از نظر گذشت، گسترش و افزایش به کارگیری شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی را می توان چالش حقوق بین الملل معاصر برشمرد. تجربه استفاده از شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی حاکی از وقوع جرایم و تخلفات متعدد در خلال ارائه خدمات توسط کارکنان این شرکت ها است که ضرورت احراز مسئولیت ناشی از موارد نقض قواعد حقوق بین الملل را مطرح می سازد. این مقاله ضمن بررسی تعهدات بین المللی دولت های مرتبط با شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی، به شفاف سازی چگونگی احراز مسئولیت این دولت ها در نتیجه اقدامات و اعمال متخلفانه کارکنان آن پرداخته است. همان گونه که ملاحظه شد، دولت های مرتبط با شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی ملزم به رعایت تعهداتی هستند که مبانی متعددی برای این تعهدات متصور است و در صورت نقض این تعهدات ناشی از حقوق بین الملل و قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه، دولت مسئولیت خواهد یافت. علاوه بر آن، مبنای دیگر احراز مسئولیت دولت های مرتبط با شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی متخلف، مواد پیش نویس طرح مسئولیت دولت ها است که در اغلب موارد بر رابطه میان این شرکت و دولت های مرتبط قابل اعمال است. نکته مهم در احراز چنین مسئولیتی، بررسی شرایط واقعی فعالیت های مجرمانه شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی است. با بررسی نمونه های مذکور معلوم شد آنچه ممکن است در ظاهر خدمات عادی این شرکت ها همانند مشاوره تلقی شود، در واقع تحت شرایطی ویژه با در نظر گرفتن شرایط واقعی عملیات و نوع خدمات، به دولت های مرتبط و به طور خاص دولت استخدام کننده قابل انتساب است. چنین قابلیت انتسابی به ویژه زمانی مورد تردید قرار نمی گیرد که کارکنان شرکت متخلف با ادغام در نیروهای مسلح دولتی از وضعیت رزمنده برخوردار شوند. نکته مهمی که از قابلیت انتساب اعمال شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی متخلف به دولت ها نتیجه می شود سندی برای رد ادعای فعالیت شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی در خلأ قانونی است.

تعهد بین المللی دیگری که از اهمیت بسزایی در پیشگیری از وقوع تخلفات و جرایم بین المللی برخوردار خواهد بود، تعهد دولت ها در خودداری از استخدام و استفاده از مزدوران است. دولت ها با خودداری از استخدام و استفاده از خدمات آن دسته از شرکت های نظامی و امنیتی خصوصی که واجد شرایط مزدوری هستند، ضمن رعایت تعهد فوق، عرصه را برای ارائه چنین خدماتی توسط این

شرکت‌ها باز نخواهند گذاشت.

در نهایت با توجه به موجودیت شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در عرصه بین‌المللی و اشکال متعدد فعالیت و ارائه خدمات از سوی این شرکت‌ها، دولت‌ها باید هرچه بیشتر اقدام به نظارت و کنترل و قانونمند کردن فعالیت این شرکت‌ها کنند. در این میان، تصویب قوانین در سطح ملی و بین‌المللی سازوکاری مناسب خواهد بود. همچنین تصویب همه‌جانبه پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی سازمان ملل متحد در نظارت و کنترل بر شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، سهم زیادی در پیشگیری از وقوع تخلفات و جرایم بین‌المللی توسط کارکنان این شرکت‌ها دارد و با ارائه استانداردهای بین‌المللی و تعیین تعهدات دولت‌ها و حوزه مسئولیت آنها، چارچوب‌های قانونی این صنعت نظامی خصوصی را تعیین می‌کند. امید است دولت‌ها با اراده و اقدام همه‌جانبه در راستای تصویب قوانین فوق بکوشند تا جهانیان بار دیگر شاهد حوادث تلخ و جرایم ارتكابی توسط کارکنان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی نباشند.

منابع فارسی

- آذری، مارال (۱۳۸۹)، جایگاه شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در پرتو حقوق بین‌الملل بشردوستانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
- زمانی، قاسم (۱۳۸۴)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، شخصیت، مسئولیت، مصونیت، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- عسکری، پوریا (۱۳۸۸)، «مسئولیت بین‌المللی افراد و دولت‌ها در پرتو ضابطه کنترل»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوق بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، س ۲۸، ش ۴۰.
- مستقیمی، بهرام و مسعود طارم سری (۱۳۷۷)، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها با توجه به تجاوز عراق به ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

منابع انگلیسی

- Ago, Roberto, "Third Report on State Responsibility", *Yearbook of the International Law Commission*, Vol. II, Part I.
- Chiara, Emanuela- Gillard (2006), "Business Goes to War: Private Military/Security Companies and International Humanitarian law", *International Review of the Red Cross*, Vol. 88, No. 863.
- Commentary on the Additional Protocols, to the Geneva Conventions of Geneva, International Committee of Red Cross.
- Doswald- Beck, Louise (2007), *Privatemilitary Companies under*



International Humanitarian law, Oxford: Oxford University Press.

- Drumbl, Mark (2003), "Trail Smelter and the International Law Commission's Work on State Responsibility for Internationally Wrongful Acts and State Liability", *Washington & Lee Public Law and Legal Theory*, Research Paper Series, Working Paper No. 03-06, May, available at: <http://law.wlu.edu/lawcenter/papers>.

- Expert Meeting on Private Military Contractors: Status and State Responsibility for Their Actions (2005), *The University Centre for International Humanitarian Law*, Geneva, available at: http://www.adh-geneva.ch/docs/expert-meetings/2005/2rapport_compagnies_privées.pdf,

- Francioni, Francesco (2009), "The Responsibility of the PMC's Home State for Human Rights Violations Arising from the Export of Private Military and Security Services", *Academy of European law*, Working Paper, No. 18.

- Gaul, Matthew (1998), "Regulating the New Privateers: Private Military Service Contracting and the Modern Marque and Reprisal Clause", *Loyola of Los Angeles Law Review*, Vol. 32, No. 13, Jun.

- Hopper, Carsten (2008), "Passing the Buck: State Responsibility for Private Military Companies", *The European Journal of International Law*, Vol. 19, No. 5, October.

- ICJ, Case Concerning Armed Activities in the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Judgment, 19 December 2005, ICJ Reports 2005.

- Kalshoven, Frits (1999), "The Undertaking to Respect and Ensure Respect in All Circumstances: From Tiny Seed to Ripening Fruit", *Yearbook of International Humanitarian Law*, Vol. 2.

- Kassebaum, David (2000), "A Question of Facts – The Legal Use of Private Security Firms in Bosnia", *Colombia Journal of Transnational law*, Vol. 38, No. 3, Fall.

- Kinsey, Christopher (2006), *Corporate Soldiers and International Security: The Rise of Private Military Companies*, New York: Rutledge Press.

- Kržalić, Armin (2009), "Private Security in Bosnia and Herzegovina", *Center for Security Study*, September, available at: <http://www.css.ba/docs/PSCistravizvanjefinaEng.pdf>,

- Kwok, James (2006), "Armed Entrepreneurs", *Harvard International Review*, Vol. 28, No. 1, March.

- Maogoto, Jackson Nyamuya & Sheehy, Benedict (2006), "Contemporary Private Military Firms Under International Law: An



